

Translator: Artemis

Editor: Sg ~



[Instagram.com/irisekai/](https://www.instagram.com/irisekai/)



t.me/iriSekai/



IriSekai191008@gmail.com





تزدیک
۲۰ نفر...

بهتره جلوی هر
مبارزه ی پیخودی
رو بگیرم.

به علاوه، من
تنها نیستم...



هم؟



چی؟

بوی یه چیز...
خوب میاد.



یه چیز خوب؟

SNIFF

آره...
مث یه زن.

یه چیز
خوشمزه.





مترجم: من که میدونم غیرتی
شدی پسرم. قیافشووو

HALT



هر طور مایلیه شاهزاده

Original: Mokgangi • Comic: Antstudio

-8-

کصخل.

شر و ور نگو. چرا
یه زن باید تو همچین
جای خفناکی باشه؟



راس
میگم!

به ازین
درخته میاد...

انقد کص نگو
بیا زودتر بریم.



چررر چرر، بعد
باید بگریشم
میخانه!

عین یه سگ هشری
هو میکش!

...عجوزه،
فکرشم نکن تا
بهت نگفتم بری
پایین.





اگه دعوا
بشه نمی تونم
مراقبت باشم.

اشکالی نداره،
نمی تونن این بالا
بهمون برسند...



!!!-

CRACK

RUSTLE

هنوز
مستند؟

مگه کمری؟
بهت گفتم بیا
بریم!

ببند گاله
رو! شک
ندارم بوی
زن میاد!



خارشو...!

SQUEEZE

!



ناموسا
الان وقت گير
آوردی؟

خفته خوب، بز
ببینیم آخرش
چی میشه!

*الهی پمیرم بچه کوچ شد

خیلی خطرناکه.

مشکلی
نیست. فکر
نکنم متوجه ما
شده باشن...

آنها
دارن حرف می زنن

نه، نگران
اونا نیستم...

بس کن!

وقته خروم
نکن. میدونی
چقدر اینجا
موندیم؟

ولی من واقعا
بوی زن به
دماغم رسید...!

الان زنا
مهم نیستن.

اونا زود میان
بیرون باید همین
الان ازینجا بریم.

زود باشین!
بیاین بریم!

...?



وايسا بينم،
چرا يهويی انقد
عجله دارن؟



راجب چی
حرف می زنن؟

ما هم اگه
زیاد اینجا بمونیم تو
خطر میوفتیم.



بیا اول بریم
پایین و.....!

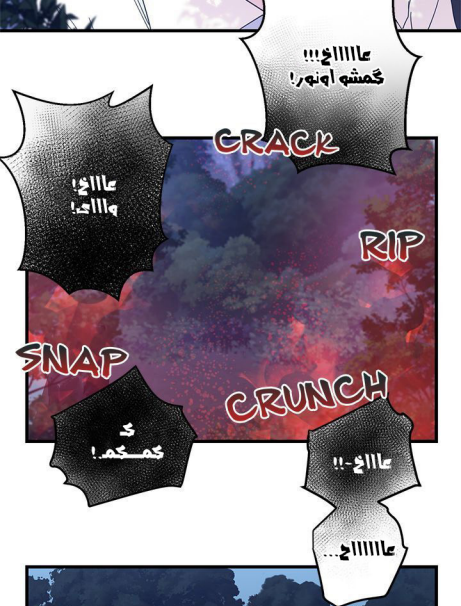
S

CR



صد صدای
چی بود...؟!







چیسی؟ من
هیچوقت هیچین
چیزی نسافتم!

من راجب هیچ
هیولایی ننوشتم!

ساکت.

GURGLE

صدات در نیاد.
اگه پیدامون کنن
تو دردسر میوفتیم.

COVER

...!

Iris Sekai
Time/Iris Sekai

SEARCH

SNIFF

WANDER

SNIFF





لعنتی...



این بده،
خیلی بده.





ڇڏتائون؟

اينهيءَ کان
ڪٿا اچي ٿي؟

RUMBLE

Iris Sekai
Tme/IriSekai

لعنتي، اون راهزنا
با وڻ چرڻ به هڪ
ڇي گند ڏي.

يني ميگي اون راهزنا
اين موجوداتو با خودتون
ڪڍين اينجا؟

مطمئن نٿي،
ولي حتما هڪ.

وڃي راهزنا جنگل شمالي
رو پاڳاه خودتون ڪرڻ
ڪم ڪم اين موجودات ظاهر
شدن.

پس اون
هيولاها واقعي ان؟
چطور ممڪن؟

GRRR

مگه هي نٿي گهڻي
تو خدائي؟

ڇه عجيب
ڪه يه خدا نٿي ڏٺو
ڇي خلق ڪرڻ.

*سڄڻ پڙ ڪان؟
ڇه ٽيپا و پوسيدئي...

درست...
نٿي.

من واقعا
اونارو نساختم.

ڇي؟

هيچ هيولائي تو
داستان من نٿي.



تنها چیزی که نوشتم این بود که... "حتی در طی روز، نور خورشید به جنگل شمالی نفرین شده نمی رسه."

و اینکه "راهزن هایی که اونجا زندگی می کنن جنایتکارای شروری هستن."

صب کن بینم.

نفرین شده؟ این جنگل نفرین شده ست؟

ها؟ اوه نه نمی خواستم اون کلمه معنی خاصی داشته باشه.

فقط فکر کردم که... باعث میشه فضا یکم خوفناک تر شه...

ینی اون کلمه منشا وجود این موجوداته...؟

چه مسخره. یعنی به توصیف ساده مثل "نفرین شده" تونسته همچین موجوداتی بسازه...

اونقدرام ساده نیست. من چیزای دیگه ای هم راجب جنگل شمالی نوشتم. ولی یادم نمیاد.

چی نوشته بودم...؟

CRACKLE

CRACKLE

SHWAAA

لعنتی، امروز
روز من نیست.

Iris Sekai
Time/IriSekai

ووآااا، چه یهوایی
داره بارون می باره.

ها؟
نگا کن.

GRUMBLE

هیولاهای
دارن میرن.

خوبه، الان فرصت
دست ماست.

بیا بریم پایین.

نه.

چی؟ چرا؟؟

??

اونو می بینی؟
اون چالاب کنار
تخته سنگ.

SPLASH

SCREECH

BUBBLE

SPLASH

GOOEY

WHIMPER

SCREECH

BUBBLE



GURGLE

...



برگ هایی که
مدت طولانی مرطوب
موندن می پوسن. و
وقتی بارون میاد کپه برگا
تبدیل میشن به باتلاق.

اگه پاتو توی
همچین چیزی بزاری،
کل شب طول میکشه
تا فرار کنی.



افتضاحه. پرات
می تونه مارو توی این
طوفان پیدا کنه؟

نه، نه فقط اینکه پرات اینجا
نمی رسه، بلکه با اسب سواری
تو این طوفان دستی دستی
خودتو به کشتن میدی.

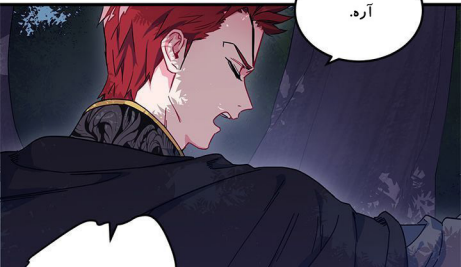


چی؟؟ پس
چیکار کنیم؟

باید شبو اینجا
اطراق کنیم.

چی؟! توی
این درخت؟

آره.



ولی چهوری...؟!

صپ کن بینم.
ینی باید اینجا
با تو بمونم؟!



اگه خوش
نمید پرو توی
لجنزار بخواب.

و وقتی هیولاها
اومدن تورو بخورن
خودت یه کاریش کن.



...پایده... کل
شپ... پا یه مرد...
توی جنگل...
باشم...؟

عافه چرا مین؟

To be continued



Translator: Tony

Editor: Sami

QA/QC: Kay Lee